

سیاست خارجی ایران در زمان پادشاهان صفوی

روابط ایران و پرتغال

بقلم آقای نصرالله منشی

۴

در مسکو به سرآنتونی شرلی خوش نگذشت، چه تزار روسیه تنها حسینعلی بیگ را سفیر شاه عباس شمرده و حتی فرستاده دیگری را هم که شاه ایران پیش از آنتونی شرلی و همراهان او بروسیه فرستاده و از هشترخان بایشان همراه بود، بروی مقدم داشت. همچنین فرمان تزار در مسکو بشرلی و رفقایش اجازه دید و بازدید و ملاقات با تجاران انگلیسی آن شهر نیز داده نشد. شرلی هم که از بد رفتاری تزار آزرده خاطر بود روزی که او هیئت سفراء ایران را با رداد بحضور وی گرفت و بدینواسطه بدینی تزار نسبت باو بیشتر شد، چنانکه برای آزار او از پی بهانه جوئی برخاست و دستور داد تا مراسلانی را که شاه عباس برای سایر پادشاهان اروپا بشرلی داده بود ازو گرفته خواندند و «نیکلادی ملو» کشیش فرانسیسکن را که شرلی در راه بجرم خیانت بشاه ایران دستگیر و محبوس ساخته بود از حبس آزاد نموده بروی چیره کردند.

۱ - تفصیل این موضوع را یکی از همراهان انگلیسی شرلی موسوم به یاری «Parry» که منشی او بوده است چنین نگاشته است: «در بین راه میان دو کشیش پرتغالی که همراه ما بودند ناع افناد و یکی از آندو که «آلفونسو کوردو» و از فرقۀ فرانسیسکن بود بسر آنتونی اطلاع داد که کشیش دیگر موسوم به نیکلا تمام اوقات خود را در هندوستان بله و ولع میگذرانید و کار را بجائی رساند که پادشاه اسپانی از حرکات او آگاه شد و او را احضار کرد. . . علاوه هدایائی را که او بنام خود تقدیم شاه ایران کرد یکی از دوستان شاه از هر مز داده و حتی عریضه ای هم با هدایا فرستاده بود. ولی این کشیش با خیال آنها آشنا شد و او را با مبلغ کمی فریب داد و هدایا و عریضه را ازو گرفت و در راه عریضه را بدور انداخته هدایا را بنام خود تقدیم شاه نمود. سر آنتونی از شنیدن این مطالب در خشم شد و امر داد تا کشیش را دستگیر کنند. . . پس از آن در شرح رفتار تزار بشرلی می نویسد که «تزار دستور داد کشیش را از حبس شرلی آزاد نمودند و مجلسی تشکیل کردند که درباره رفتار شرلی با کشیش رسیدگی کند چون درین مجلس کشیش زبان بدشنام شرلی گشود و آتش خشم وی را برانگیخت شرلی طیانجه سخت بروی او زد و پس از این واقعه مجلس تحقیق برهم خورد و از آن پس ما و درین تزار احترام شرلی را بیشتر رعایت کردند. . .»

عاقبت پس از ششماه اقامت در مسکو شرلی و حسینعلی بیگ با همراهان خود از پایتخت روسیه در روز عید پاک سال - ۱۶۰ میلادی (اواخر سال ۱۰۰۸ هـ.ق) بقصد آلمان حرکت کردند، ولی چون بارهای سنگین از هدایا همراه داشتند بایشان گفته شد که از راه اقیانوس منجمد شمالی روند. پس از کنار رود ولگا راه شمال پیش گرفتند و شش هفته بعد بندر آرخانگلسک^۱ از بنادر شمالی روسیه در کنار دریای ایض رسیدند. توقف هیئت درین بندر نیز برای تهیه آذوقه و لوازم سفر قریب یکماه بود. بالاخره از آنجا با کشتی عازم آلمان شدند و پس از یکماه و نیم دریانوردی که بسبب طوفانهای شدید بسیار سخت گذشت، از راه دماغه شمال و سواحل نروژ بندر «استود»^۲ در دهانه رود الب^۳ رسیدند. درین بندر منشی سر آنتونی که «پاری»^۴ نام داشت از جانب او بامراسلات چند مأمور انگلستان گردید و شرلی با سفیر ایران و سایر همراهان به «امدن»^۵ رفت و درین بندر دوک اولدنبورگ^۶ (از دوک نشینهای آلمان) ایشان را بگرمی پذیرفت و پذیرائی شایان کرد.

از «آمدن» هیئت سفر عازم پراگ^۷ پایتخت مملکت بهم^۸ شدند و پس از عبور از شهرهای کاسل و ویمار و هال و لپزیگ^۹ در پائیز سال ۱۰۰۹ هـ.ق (۱۶۰۰ م.) پراگ رسیدند. رودلف دوم^{۱۰} امپراطور آلمان نیز آن زمان در بهم بود و چون از آمدن سفیر ایران آگاه شد سیزده کالسکه باجمعی از سرداران و زرگان دربار و پنجهزار سپاه باستقبال ایشان فرستاد و آنان را بامهربانی و شکوه تمام نزد خود نگاهداشت.^{۱۱}

امپراطور آلمان پیشنهادهای سر آنتونی شرلی را در باره اتحاد باشاه عباس برضد ترکان عثمانی با احتیاط پذیرفت و بسیار سعی کرد که مگر او را از رفتن بدربار سایر پادشاهان اروپا بازدارد و بفرستادن نامه‌های شاه بوسیله قاصدهای مخصوص راضی کند. ولی شرلی بدین امر راضی نشد و در بهار سال بعد از امپراطور اجازه حرکت

۱ - Archangelsk. ۲ - Stode. ۳ - Elbe. ۴ - Parry. ۵ - Emden. ۶ - Oldenburg. ۷ - Prag. ۸ - Böhmen. ۹ - Leipzig, Halle, weimar, Kassel. ۱۰ - Rodolphe II. ۱۱ - شارل شفر در مقدمه‌ای که بر سفرنامه‌ها فائل دومانس نگاشته مدت توقف هیئت سفارت را در پراگ سه‌ماه نوشته است.



تصویر حسینعلی بیگ بیات

سفیر شاه عباس در دربار پادشاهان اروپا

گرفت و با حسینعلی بیگ و سایر همراهان از راه نورنبرگ^۱ و مونیخ^۲ و اینس بروک^۳ عازم ایتالیا گردید. امپراطور آلمان هنگام حرکت هیئت پنجاه قطعه ظروف نقره و مختلف به آنتونی شرلی بخشید و دوهزار دوکای آلمانی^۴ هم برای مخارج سفر بر آن افزود و نیز بهر یک از همراهان وی یک جام نقره^۵ مطلا و دو بیست دوکا عطا کرد.

از براگ شرلی و همراهان او به نورنبرگ از شهرهای دوک نشین باویر^۵ رفتند. در آنجا نیز از ایشان باشکوه و جلال تمام پذیرائی شد و مدت چهار روز میهمان حکمران شهر بودند و هنگام عزیمت نیز از طرف حکمران دو جام طلا یکی بشرلی و دیگری بحسینعلی بیگ بیات تقدیم شد. سپس از راه اوگسبورگ^۶ بشهر مونیخ پایتخت باویر رفتند و ویلهام دوم معروف به پارسا^۷ دوک باویر که تازه از مقام خود کناره گرفته بود از هیئت سفارت پذیرائی شایان کرد. از مونیخ راه ایتالیا پیش گرفتند و پس از عبور از شهرهای اینسبروگ^۸ و بوژن^۹ و ترانت^{۱۰} به شهر مانتوا^{۱۱} رسیدند و در آنجا دوک «وینسنزو گونزاگا»^{۱۲} ایشان را با گرمی و احترام فراوان پذیرفت.

چنانکه سابقاً اشاره کرده ایم شاه عباس نامه ای هم به دژ^{۱۳} یادوک و نیز نوشته بود، پس شرلی و حسینعلی بیگ ناگزیر بودند که برای رساندن نامه شاه^{۱۴} بشهر نیز بروند، بهمین سبب شرلی پیش از آنکه با ایتالیا برسد شخصی موسوم به «میکل آنژ» سرای^{۱۴} حلبی رانزد دژ فرستاد تا او را از عزیمت سفرای ایران آگاه سازد و از مانتوا نیز فرستاده دیگری بهمین قصد روانه و نیز کرد ولی دولت و نیز با جواب داد که چون از دربار سلطان عثمانی سفیری بدان شهر آمده و دولتین در کار مصالحه اند از پذیرفتن سفرای ایران معذور است، چه ممکنست ورود سفرای شاه عباس باریگر موجب تیرگی روابط حکومت و نیز با سلطان عثمانی گردد. بنابراین شرلی و همراهان وی ناگزیر از راه فلورانس^{۱۵} عازم رم شدند.

دوک فرونیاند دو مدیسی^{۱۶} دوک تسکان^{۱۷} در شهر پیزا^{۱۸} از ایشان با مهر بانی

۱ - Nürnberg - ۲. München - ۳. Innsbruck - ۴. هردو کافرین ۲۲ تا ۲۴ قران - ۵. (Bayern) Bavière - ۶. Augsburg - ۷. Wilhelm II le Pieux - ۸. Brenner - ۹. Potzen - ۱۰. Trente (Trient) - ۱۱. Manthua - ۱۲. Vincenzo Gonzaga - ۱۳. Florençe - ۱۴. Doge - ۱۵. Michel-Ange Cerray - ۱۶. Ferdinand de Medici - ۱۷. Toscana - ۱۸. Pisa

بسیار پذیرائی کرد و آنان را بتماشای بندر لیورنو^۱ که بفرمان او ساخته میشد برد^۲. از یزنا بشهر سی‌ینا^۳ رفتند و در آنجا کاردینالی از جانب پاپ کلمان هشتم^۴ باستقبال ایشان رسید و همراه وی عازم رم شدند.

در رم بازمین شرلی و حسینعلی بیگ اختلافی پدید آمد و بهمین سبب پاپ آندو رایکایک بحضور پذیرفت. شرلی چون بخدمت پاپ رسید مقاصد شاه عباس را در خصوص تشکیل اتحادی بر ضد ترکان عثمانی بیان کرد و وعده داد که شاه بمبلغین و کشیشان کاتولیک درسراسر ایران آزادی کامل خواهد داد و پاپ را امیدوار ساخت که ممکنست بوسیله مبلغین عیسوی روزی مردم گرجستان هم بمذهب کاتولیک درآیند. آنتونی شرلی تامامه محرم ۱۰۱۰ (ژوئیه ۱۶۰۱) در رم بود ولی درین تاریخ پوشیده باد و نفر از کسان خود از مقر حکومت پاپ بندر «آنکونا»^۵ و از آنجا به ونیز رفت. در سبب این سفر پنهانی دو عقیده مختلف اظهار شده است:

برخی نوشته اند که چون یکی از همراهان انگلیسی وی ناهائی را که شاه عباس بسلاطین اروپا نوشته بود از وی ربوده و بقسطنطنیه برده تسلیم وزیر اعظم عثمانی کرده بود سر آنتونی شرلی جان خود را در خطر دید و لازم شمرد که بحکومت ونیز پناه جوید. اروج بیگ یا «دن ژوان ایران» در کتاب خود می نویسد در شهر «سی‌ینا» میان سر آنتونی شرلی و حسینعلی بیگ در حضور کاردینالی که از طرف پاپ باستقبال آمده بود نزاع سختی در گرفت، زیرا چون حسینعلی بیگ هدایائی را که شاه عباس برای پاپ فرستاده بود از شرلی مطالبه کرده معلوم شد که او قسمتی از هدایای شاه را در مسکو بتجار انگلیسی مقیم بنادر بالتیک فروخته است و همین امر موجب فرار شرلی گردید^۶.

۱ - Livorno

۲ - اروج بیگ یادن ژوان ایران که سابقا ازو نام برده ایم و درسطور بعد نیز شرح حال وی خواهد آمد، مینویسد که ۵۰۰۰ غلام مشغول ساختن این بندر بودند.

۳ - Siena. ۴ - Clément VIII. ۵ - Ancona.

۶ - یکی از همراهان انگلیسی شرلی که نام او معلوم نیست در سفرنامه خود موضوع اختلاف شرلی و حسینعلی بیگ را نوع دیگر نقل کرده می نویسد: «... در رم سفیر ایرانی و شرلی درباره

پس از فرار شرلی حسینعلی بیگ تادوماه در شهر رم بود و از آن پس عازم اسپانی شد. پاپ هنگام وداع يك زنجير طلا و دو هزار دو کاپول نقد بوی داد و بهريك از قورچیان او نیز يك زنجير طلا و يك شمایل عیسی هدیه کرد. علاوه بر این کشیش عالیمقامی از مردم بارسلونا^۱ را که «فرانسیسکو گواسک^۲» نام داشت مأمور کرد که تا اسپانیول با سفیر ایران همراه باشد و تمام احتیاجات او و اعضاء سفارت را رفع کند^۳.

حسینعلی بیگ و همراهان او از رم بپندر «ژنوا^۴» رفتند و از آنجا در دو کشتی نشسته در «ساونا^۵» پیاده شدند و راه «آوینیون^۶» پیش گرفتند و سرانجام پس از گذشتن از شهرهای «نیم^۷» و «من پلیه^۸» و «ناربن^۹» و «پرینیان^{۱۰}» و عبور از جبال «پیرنه^{۱۱}» وارد خاک اسپانیول شدند و بپندر بارسلونا رسیدند. درین بندر دوک «فریا^{۱۲}» نایب السلطنه کاتالونی^{۱۳} ازیشان پذیرائی کرد و از آنجا بشهر «والادلید» که اقامتگاه فلیپ سوم پادشاه اسپانی بود رفتند.

پادشاه اسپانی حسینعلی بیگ را باشکوه و جلال بسیار بحضور خویش پذیرفت و او را دو ماه در دربار خود نگاهداشت. پس از آن سفیر ایران مصمم شد که بایران باز گردد و انجام مأموریت خود را در پنج مملکت دیگر، یعنی انگلستان و اسکاتلند و فرانسه و لهستان و ونیز بزمان دیگر گذارد، و برای اینکه از سفر طولانی خشکی اجتناب

اهمیت مقام یکدیگر بنزاع در آمدند و شرلی بسفیر ایران سخنان درشت گفت و او را باطاعت او امر خویش خواند. سفیر ایرانی از شنیدن سخنان او آزرده خاطر شد و بقهر ورنجش از وی مفارقت کرد و راه ایران پیش گرفت. چون بایران رسید و بخدمت شاه عباس رفت در حضور ربرت شرلی برادر سر آنتونی شرلی شرح سفر خویش را نقل کرد و زبان بید گوئی سر آنتونی کشود و بوی تهمت های فراوان زد. ولی ربرت شرلی از برادر خود دفاع نمود و دروغهای سفیر را مدلل ساخت. پس شاه عباس فرمان داد تا در حضور ربرت شرلی دستها و زبان سفیر ایرانی را بربندند. ولی این مطالب دور از حقیقت است زیرا چنانکه خواهیم گفت مسامحت که حسینعلی بیگ بیات از ایتالیا بایران باز نکشته و پس از فرار شرلی با اسپانیول رفته و وظیفه سفارت خود را در آن مملکت نیز انجام داده است.

۱ - Barcelona. ۲ - Francisco Guasque.

۳ - « دن ژوان ایران » در کتاب خود می نویسد که آشپز و دو نفر از نوکران سفیر در رم

بمذهب کاتولیک در آمدند و در آنجا ماندند و حسینعلی بیگ ازین جهت سخت خشمگین و ماول شد.

۴ - Genova. ۵ - Savona. ۶ - Avignon. ۷ - Nîmes. ۸ - Montpellier.

۹ - Narbonne. ۱۰ - Perpignan. ۱۱ - Pyrénée. ۱۲ - Feria. ۱۳ - Catalogne.

کند بر آن شد که از راه دریائی جنوب افریقا و دماغه امیدواری خود را بخلیج فارس و هرمز رساند و از آنجا باصفهان رود .

پادشاه اسپانی هنگام وداع حسینعلی بیگ را بمهربانی و گرمی تمام پذیرفت و گذشته از هدایای فراوانی که برای شاه عباس باو داد یک زنجیر طلا بقیمت پانصد اکو^۱ و یازده هزار دوکا وجه قدیم برای مخارج سفر بشخص او بخشید^۲ . بعلاوه سفیر و همراهان او تا لیسبون^۳ نیز میهمان وی بودند و از آنجا هم یک کشتی اسپانیولی مأمور شد که آنان را مجاناً بخلیج فارس رساند .

سفیر ایران از ولادید با همراهان بشهر مادرید^۴ و از آنجا به «تولدو» و لیسبون رفت، ولی در محل مریدا^۵ دومنزلی لیسبون واقعه ناگواری روی داد : چنانکه سابقاً هم اشاره کردیم با هیئت سفارت ایران یک «ملا» نیز از ایران همراه شده بود که مراقب اعمال دینی اعضاء سفارت باشد . این بیچاره را یک مرد متعصب اسپانیولی در مریدا بضرب کرد از پای در آورد و حسینعلی بیگ ازین باره سخت دلننگ و خشمگین شد و اروج-بیگ را بولادید فرستاد تا از حکومت اسپانی خون بهای او را مطالبه کند .

پس از آن حادثه دیگری نیز بر تائر و اندوه خاطر وی افزود چه سه نفر اعضای عالمقام هیئت هنگام خروج از اسپانی دین اسلام را ترک گفته بمذهب کاتولیک درآمدند : یکی از آنسه علیقلی بیگ برادرزاده سفیر بود که با قبول مذهب کاتولیک عم خود را ساخت ملول و متغیر ساخت و هنگام غسل تعمید او فیلیپ سوم پادشاه اسپانی شخصاً بدر خواندگی وی را پذیرفت و چون بمذهب کاتولیک درآمد او را با اسم خویش «دن فیلیپ» نام نهاد . دیگری منشی اول سفارت اروج بیگ بود^۶ که ملکه اسپانی هنگام غسل تعمید مادر

۱ - نزدیک به چهار صد و پنجاه تومان پول امروز . هر اکو کمی بیش از نه ریال ارزش داشته است .

۲ - حسینعلی بیگ و همراهان او در مدت سفر خود گذشته از جامهای طلا و نقره و اشیاء قیمتی بسیار مبالغه گرانی نیز پول نقد بدست آورده بودند که جمع آن به ۲۱۶۰۰۰ دوکا یعنی متجاوز از پنجاه هزار تومان میرسید . - تزار روس ۳۸۰۰ ، امپراطور آلمان ۴۸۰۰ ، پاپ ۲۰۰۰ و پادشاه اسپانی ۱۱۰۰۰ دوکا بسفیر و همراهان او داده بودند .

۳ - Lisbon - ۴ - Madrid . ۵ - Toledo - ۶ - Mérida .

۷ - اروج بیگ که پس از قبول دین عیسی به «دن ژوان ایران» معروف شد در سال ۹۶۷

خواندگی او را قبول کرد و بنام دن ژوان ایران معروف گشت . سومی بنیادیگ از اعضای سفارت که او را پس از قبول مذهب کاتولیک «دن دیه گوا» نامیدند .

تولد یافته بود و هنگام سفر اروپا قریب چهل سال داشت . پدرش سلطان عالی بیگ از سرداران معروف قزلباش و از طایفه کرد بیات بود که در سال ۹۹۳ زمان پادشاهی شاه محمد خدابنده هنگام جنگ ایران و عثمانی در محاصره تبریز کشته شد . این سردار فرمانده فوج مخصوصی بود که شاه پس از مرگ وی ریاست آنرا بیسرش اروج بیگ سپرد . دن ژوان در روز چهارم محرم ۱۰۱۳ (۱۵ مه ۱۶۰۵) در شهر ولادیلید بدست یکی از مردم اسپانیول بقتل رسید و برای اینکه مرگ او فاش نشود جسدش را در قافتی نهاده بدریا انداختند و چند روز بعد در ساحل طعمه سگان گردید .

این مرد در حدود سالهای ۱۰۱۲ - ۱۰۱۳ (۴ - ۱۶۰۲) کتابی در شرح سفر خود نگاشته است که سه باب تقسیم میشود . باب اول وصف مختصریست از ایالات و ولایات ایران و طرز حکومت آنها در عصر صفوی و عادات و اخلاق مردم و طوائف و قبایل بزرگی که در هر ولایت ساکنند و همچنین ذکر اسامی پادشاهان ایران از نمرود (!) تا شاه عباس بزرگ . باب دوم شامل شرح سلطنت پادشاهان صفوی و جنگهای ایشان با سلاطین عثمانی و امرای ازبک است و باب سوم حاکی از تفصیل ورود سر آنتونی شرلی بدر بار ایران و سفارت حسینعلی بیگ و همراهان اوست از روز حرکت تا ورود بشهر لیسبون . اصل این کتاب را اروج بیگ بفارسی نگاشته و بکمک یکی از فضلاء اسپانیول موسوم به آلفونسورمن «Alfonso Remon» که رتبه لیسانس داشته با اسپانیول ترجمه و طبع نموده است . آلفونسورمن در رساله ای که ضمیمه کتاب اروج بیگ کرده است او را دوست صمیمی خود میخواند و کتاب ویرا بکشیش مخصوص شاه موسوم به «دن آوارودو کاراوازال» «Do n Alvaro de Caravajal» معرفی میکند و این کشیش دن ژوان را هنگامی که میخواست تغییر دین دهد در نمازخانه قصر شاهی غسل تعمید داده بود . اروج بیگ در یکی از ابواب کتاب خود میگوید که در تمام مدت سفر وقایع روزانه را یاد داشت میکرده است نادر باز گشت بایران تقدیم شاه کند . این کتاب مستشرق معروف انگلیسی لوسترانج «G. Le Strange» با انگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۹۲۶ م . بطبع رسانده است . ۱ - بعدها در اسپانیول بین این شخص و یکی از نویسندگان و شعرای اسپانی موسوم به سالاس باربادیلو «Salas Barbadillo» دعوائی حقوقی پدید می آید و بدین مناسبت نام او در کتابی که «سنیور امیلیو کتارلو» «Senor Emilio Cotarelo» در تحقیق احوال شاعر مزبور نوشته است ذکر شده و مؤلف اخیر در کتاب خود شرحی نیز راجع به اروج بیگ (دن ژوان) و کتاب او نگاشته است .

دائرة ...

چون دائرة ما ز پوست بوشان توئیم

در دائرة حلقه بگوشان توئیم

گر بنوازی بجان خروشان توئیم

ور نوازی هم از خموشان توئیم

شیخ ابو سعید ابو الخیر